

واروژان

به کوشش:

حسین عصاران

تقدیم به یاد ماندگار پدرم

که عستان مهرانش

الکرم موسوی منیر، مؤسس و مدیر نشر «واروژان» را به من هدیه داد

در سال ۱۳۵۷ خورشیدی

پهلو در سنه ۱۳۵۷ خورشیدی

مجموعه ۱۰۰۰ نسخه از «واروژان» ۸۳۲۱ نسخه (۱۳۵۷ و ۱۳۵۸) و ۱۰۰۰ نسخه

نسخه ۱۰۰۰ نسخه از «واروژان» ۸۳۲۱ نسخه (۱۳۵۷ و ۱۳۵۸) و ۱۰۰۰ نسخه

۸۳۲۱ - ۲ - ۲۷۲ - ۲۶۶ - ۲۰۶۶ - ۲۰۶۶

مجموعه ۱۰۰۰ نسخه از «واروژان»



مؤسسه انتشارات نگاه

۱۳۵۷

www.nagah.com

تلفن: ۰۲۱-۷۷۰۲۲۲۲

۷۷۰۲۲۲۲ - ۲۱ - ۲۱



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

فهرست مطالب

- ۱۱ مقدمه
- ۲۰ «شنبه روز بدی بود...»
از کودکی تا آغاز جوانی
- ۳۰ «اون ور روزای تاریک، پشت نیم شبای روشن»
آغاز راه: همکاری با ویگن
- ۳۸ «قصه‌ی همیشه تکرار، هجرت و هجرت و هجرت»
مسجد سلیمان، آمریکا و اهواز
- ۴۶ «برای باور بودن، جایی شاید باشه، شاید...»
بازگشت به تهران، رادیو و ارکستر «هنر برای مردم»
- ۵۴ «درنگاهت می درخشد آن قرار و عهد و پیمان...»
تلویزیون و جنگ تلویزیونی «زنگوله‌ها»
- ۶۰ «با این ترانه برگردیم...»
«استودیو طنین»

- «تورگ بودنِ ما، شعر سرخ رفته» ۷۰
 «فصل نوین ترانه»: پیش به سوی ترانه های نو
- «قصه ی من، قصه ی بی پهلوون!» ۸۲
 همکاری در ساختِ موسیقی متن فیلم «حسن کچل»
- «خرمنِ رخوتِ من، شعله می خواد» ۸۸
 تجربه های اولیه برای آهنگ سازی برای ترانه
- «پُر شد این قصه ی ما، توی دریا های دور» ۹۶
 آغازی نو: «قصه ی دو ماهی»
- «یه فصل پاک، یه فصل امن و بی وحشت» ۱۱۸
 آغاز کار در زمینه ی «موسیقی فیلم»
- «آواز صریح قندیل و نور و برف» ۱۲۶
 بابک بیات: از آغاز تا خود شدن
- «دستای تو خورشید نشون می دن...» ۱۳۶
 حسن شماعی زاده: «دستای تو»، «دوپنجره» و...
- «... هرچی می کارم، مالِ تو» ۱۵۲
 حرفه: «تنظیم کننده»
- «با چراغ و گل، غریبه...» ۱۵۸
 موسیقی متن «صبح روز چهارم»، جایزه ی «سپاس» و ازدواج

- «هرچی که دارم، مال من...» ۱۶۶
 شهیار قنبری و «بوی خوب گندم»: سرفصلی تازه برای واروژان
- «تو خورشیدُ به دست من سپردی» ۱۸۶
 همکاری با ایرج جنتی عطایی و ترانه هایی برای سینما
- «شهر من شهر دعا، همه گنبداش طلا» ۱۹۶
 تجربه ای تازه: موسیقی متن سریال «سلطان صاحبقران»
- «وقت خوبی که می شد غزلی تازه بگی...» ۲۰۴
 سال ۱۳۵۴: سال پرکاری
- «سایه بونی از ترانه، برای خوابِ ابریشم» ۲۱۴
 سه گانه ی «سییرا فیلم»: «ذبیح»، «کندو» و «ماه عسل»
- «مثل معراج سپیده» ۲۳۴
 «شام آخر»، «آوازهای محلی» و موسیقی ایرانی
- «برای عشق، یه فصل تازه می سازم» ۲۴۴
 هم چنان سینما و ترانه برای فیلم
- «بر فراز آسمان ها» ۲۵۴
 موسیقی «بر فراز آسمان ها»...
- «ساعت عزیمت تو، می شه انتها نباشه...» ۲۶۴
 یادواره ها، برداشت ها و یاد نوشته ها

- «یک نفس عطرِ تو بس!» ۲۸۲
چند خاطره از واروژان
- «ترانه خانه زُوبا زهی هات دریاب!» ۲۹۱
یادداشت‌ها و نُت‌نوشته‌های واروژان
- جدول آثار ۳۱۵
- «چه زیبا بود، چه زیبا بودا» ۳۳۱
گالری تصاویر

مقدمه

فکر این کتاب نمی‌توانست همراه من نباشد. گذشته از علاقه و تعلق خاطر همیشگی و قدیمی به ترانه و ذاتِ پُروقرار آهنگ‌های واروژان، از زمان جدی شدن کار تحقیق و ثبت تاریخ ترانه در من، این علاقه‌ی شخصی به امری واجب و زمین‌مانده بدل شد. دانسته‌ها از او کم بود و در حد کلیاتی از مهربانی چهره و دانستگی علم، مَخْلَص می‌شد که این نه آغاز بود و نه حق. هم‌چنان که چند ویژه‌نامه و یادداشت پراکنده هم بیشتر به کلیاتی از این دست محدود شده بود.

در میانه‌ی گفت‌وگوهایم با ناصر چشم‌آذر و دیگر هنرمندان برای کتاب «باران عشق» فکر این کتاب در من راه گرفت. آن‌ها مدام از نقش واروژان و حق استادی‌اش بر خود می‌گفتند. ناصر چشم‌آذر عاشقانه و خالصانه او را استاد خطاب می‌کرد و محمد سریر که به صراحت از وظیفه‌ام در این باره گفت.

پس بلافاصله بعد از انتشار آن یکی، کار این یکی را آغاز کردم:

گفت‌وگو با نزدیک‌ترین یاران و همراهان واروژان آغاز شد. اسفندیار منفردزاده بزرگی و رفاقت کرد تا بابک افشار و شهیار قنبری مرا اول راه بنشانند. از صحبت‌های آنان روند کتاب دقیق‌تر شد. هرگفت‌وگو آدرس نفر بعدی را